



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه ملایر

دانشکده علوم انسانی - گروه علوم تربیتی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم تربیتی

گرایش: فلسفه تعلیم و تربیت

عنوان:

دلالت‌های تربیتی نظریه زیبایی‌شناختی ماکسین کرین

به وسیله ی:

لیلا قدیمی

استاد راهنما:

دکتر علی ایمان زاده

استاد مشاور:

دکتر ناصرالدین حسن زاده تبریزی

شهریور ۱۳۹۲

به نام خدا

دلالت‌های تربیتی نظریه زیباشناختی ماکسین گرین

به وسیله‌ی:

لیلا قدیمی

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی

از فعالیت‌های لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

تعلیم و تربیت (گرایش تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش)

از دانشگاه ملایر

ارزیابی و تأیید شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه:

..... دکتر علی ایمان‌زاده، استادیار فلسفه تعلیم و تربیت (استاد راهنما)

..... دکتر ناصرالدین حسن‌زاده تبریزی، استادیار فلسفه (استاد مشاور)

..... دکتر احمد سلحشوری، استادیار فلسفه تعلیم و تربیت (استاد داور)

..... دکتر کیومرث عزیز ملایری، استادیار برنامه‌ریزی درسی (استاد داور)

..... دکتر علیرضا عبدی‌کیان، استادیار فیزیک (نماینده تحصیلات تکمیلی)

شهریور ماه ۱۳۹۲

پاسکزاری

«من لم یسکر الخلق لم یسکر الخالق»

بدینوسید پشوپسکر از تک تک کسانی که دست یاریکشان آب حیات و چشمهای زمرم شوق و ایمان و سرچشمی بقای فرهنگ یک جامعه، بلکه رمز حیات نسل باست، پاسکزار است.

در اینجا بر خود واجب می دانم که از رابهائی های ارزنده استادان بزرگوار جناب آقایی دکتر علی ایمان زاوه که زحمت رابهائی اینجا و دکتر ناصرالدین حسن زاوه که

تقبل زحمت مشاوره پژوهش راندر فقه و از تمامی عزیزان دیگری که در مراحل مختلف محارث این پژوهش، پژوهشگر راری فرمودند

و همچنین مسؤولین محترم دانشگاه ملایر صمیمانه تسکرو قدر دانی نمایم.

بجین بر خود لازم می بینم از تمامی دوستان عزیزم که بنده را در انجام این تحقیق راری نمودند

و نیز از بسرم که بر داری و راری ایشان پیش از تلاش من در تدوین این پیمان نامه مؤثر بوده است، صمیمانه تسکرو نمایم.

نام خانوادگی دانشجو : قدیمی	نام: لیلا
عنوان پایان نامه : دلالت‌های تربیتی نظریه زیبایی‌شناختی ماکسین گرین	
استاد راهنما : دکتر علی ایمان زاده استاد مشاور : دکتر ناصرالدین حسن زاده	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فلسفه گرایش: تعلیم و تربیت دانشگاه ملایر-گروه: علوم تربیتی تاریخ فارغ التحصیلی : شهریور ۱۳۹۲ تعداد صفحات: ۱۲۲	
کلید واژه : دلالت‌ها، دلالت‌های تربیتی، نظریه، برنامه‌ی درسی، زیبایی‌شناختی	

چکیده: بسیاری از صاحب‌نظران، تدریس را فعالیتی دارای صبغه‌ی زیبایی‌شناختی دانسته‌اند. این بدان معناست که معلم در پایان یک تدریس خوب و موفق همچون هنرمندی که موفق به خلق یک اثر هنری شده است، تحت تأثیر ویژگی‌های زیباشناختی آن به وجد می‌آید و احساس رضایت و لذت به او دست می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف، «دلالت‌های تربیتی نظریه زیبایی‌شناختی ماکسین گرین» انجام گرفته است. برای تحقق هدف فوق از روش پژوهش کتابخانه‌ای، اسنادی و توصیفی استفاده شد. براساس نتایج پژوهش، تدریس یا برنامه درسی می‌تواند به عنوان نوعی هنر تلقی شود. کار و فعالیت مناسب در هنرها دارای نتایج و پیامدهای شناختی می‌باشد که این امر دانش‌آموزان را متناسب با نیازها و تقاضای قرن بیست‌ویکم آماده می‌سازد. آموزشی دارای این ویژگی دانسته شده است که اجمالاً آثار «تربیتی» داشته و منجر به بروز رفتار آگاهانه مطابق با آن ارزش می‌شود. چنین آموزشی باید فرد را در عمیق‌ترین لایه‌های وجودی درگیر سازد و در نتیجه از او انسان متفاوتی پیش و پس از این آموزش‌ها بسازد که به افراد و گروه‌هایی شبیه و به افراد و گروه‌هایی بی‌شبهت است. آموزش فاقد این ویژگی عبث، ابر و ناکارآمد ارزیابی می‌شود. مطلوبیت آموزش با این کیفیت، یعنی کیفیت به اصطلاح «زیبایی‌شناختی»، در کلیه‌ی ساحت‌های یادگیری و به‌ویژه ساحت اخلاق و ارزش‌ها بر کسی پوشیده نیست. لذا باید در تلاش برای دستیابی به رویکردهای هنری بود که این مهم را ممکن و میسر سازد.

فهرست مطالب

۱-۱. مقدمه.....	۲
۲-۱. بیان مسأله.....	۴
۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۸
۴-۱. اهداف تحقیق.....	۱۰
۱-۴-۱. هدف کلی پژوهش:.....	۱۰
۲-۴-۲. اهداف جزئی پژوهش:.....	۱۰
۵-۱. سؤالات پژوهش.....	۱۰
۶-۱. روش پژوهش.....	۱۰
۱-۲. مقدمه.....	۱۳
۲-۲. تربیت زیبایی شناختی چیست؟.....	۱۵
۳-۲. دیدگاه بزرگان در خصوص تربیت زیبایی شناختی.....	۲۲
۱-۳-۲. دیدگاه افلاطون در رابطه با تربیت زیبایی شناختی.....	۲۲
۲-۳-۲. دیدگاه ارسطو در رابطه با تربیت زیبایی شناختی.....	۲۳
۳-۳-۲. دیدگاه بانوم گارتن در رابطه با تربیت زیبایی شناختی.....	۲۳
۴-۳-۲. دیدگاه کانت در رابطه با تربیت زیبایی شناختی.....	۲۴
۵-۳-۲. دیدگاه هگل در رابطه با تربیت زیبایی شناختی.....	۲۵
۴-۲. تعریف تربیت زیبایی شناختی.....	۲۵
۱-۴-۲. جست و جو و تأمل در رابطه زیبایی شناختی و فلسفه.....	۲۸

- ۲-۴-۲. ریشه‌های اندیشه فلسفی ماکسین گرین..... ۲۹
- ۳-۴-۲. زیبایی شناختی در سند برنامه درسی ملی..... ۳۰
- ۱-۳-۴-۲. اهداف تربیت..... ۳۰
- ۲-۳-۴-۲. اهداف جریان تربیت (با توجه به ساحت‌های تربیت)..... ۳۱
- ۱-۲-۳-۴-۲. اهداف ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری..... ۳۱
- ۳-۳-۴-۲. الگوی نظری ساحت‌های تربیت..... ۳۲
- ۴-۳-۴-۲. ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری..... ۳۳
- الف) حدود و قلمرو..... ۳۳
- ب) رویکرد..... ۳۳
- ج) اصول..... ۳۴
- ۴-۴-۲. آموزش زیبایی شناختی چیست؟..... ۳۵
- ۵-۴-۲. آموزش و پرورش و زیبایی شناختی..... ۴۲
- ۱-۵-۴-۲. برنامه ریزی درسی تربیت زیبایی شناختی..... ۵۱
- ۲-۵-۴-۲. دیدگاه ماکسین گرین در برنامه ریزی درسی..... ۵۷
- ۱-۲-۵-۴-۲. فرصت‌های یاددهی - یادگیری..... ۵۷
- ۱-۱-۲-۵-۴-۲. تعلیم و تربیت در زمینه توجه و ادراک..... ۵۸
- ۲-۱-۲-۵-۴-۲. تعلیم و تربیت در زمینه نقد هنری..... ۵۸
- ۳-۱-۲-۵-۴-۲. تعلیم و تربیت در زمینه ادبیات..... ۵۹
- ۴-۱-۲-۵-۴-۲. آموزش به عنوان هنر..... ۶۰
- ۲-۲-۵-۴-۲. اهداف تربیت هنری..... ۶۲
- ۳-۲-۵-۴-۲. معلم و ارزش‌های زیبایی شناسی..... ۶۳

۶۸ ۴-۲-۵-۴. روش‌های تدریس زیبایی شناسی
۶۸ ۵-۲-۵-۴-۲. ارزشیابی
۶۹ ۵-۲. پیشینه تحقیقات انجام شده در داخل و خارج کشور
۷۷ ۱-۳. مقدمه
۸۳ ۲-۳. چشم اندازهای یادگیری
۸۴ ۳-۳. کشف چشم اندازها
۸۸ ۴-۳. فلسفه و تدریس
۹۰ ۵-۳. چشم اندازهای مدرسه
۹۱ ۵-۴-۲. آموزش و ساخت معنا، فرهنگ سازی
۱۰۲ ۱-۴. مقدمه
۱۰۲ ۲-۴. خلاصه نتایج پژوهش
۱۰۶ ۳-۴. نتیجه‌ی نهایی
۱۰۷ ۴-۴. پیشنهادات
۱۰۷ ۱-۴-۴. پیشنهاد به مسئولان و برنامه‌ریزان
۱۰۸ ۲-۴-۴. پیشنهادهای پژوهشی
۱۰۹ ۵-۴. محدودیت‌های پژوهش

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

تعلیم و تربیت به لحاظ دید مفهومی و دامنه عملکرد مباحث فراوانی در خود جا داده است. امروزه تعلیم و تربیت از نارسایی رنج می‌برد، از جمله این نارسایی‌ها مسائل و موضوعاتی است که به تعلیم و تربیت مربوط می‌شود از قبیل تعلیم و تربیت زیباشناختی.

هنر درک زیباشناسی ضمن این که اجازه بروز استعدادها و فعالیت‌های دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، رغبت و انگیزه آن‌ها را افزایش داده و زمینه برای تداوم یادگیری قوت می‌بخشد و ثمره حقیقی تربیت همین انگیزه لذت است که در ازای مطالعه یک رشته بدست می‌آید. جروم هاپسمن تربیت هنری را ناظر بر حواس مختلف، رشد تجارب حسی و لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های بصری هنری و نقادانه هنرمندانه می‌داند. در واقع از نظر وی تربیت هنری شامل آموزش حواس، رشد تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و نیز رشد آگاهانه تصورات بصری در نقاشی، مجسمه سازی، هنرهای تزئینی و آموزش در زمینه کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری است. آنچه در مباحث مربوط به تربیت هنری مربوط می‌شود، ایجاد شرایط لازم برای رشد خلاقیت و تخیل کودکان و آشنا کردن آن‌ها با شیوه‌های بیان و ابراز هنرمندانه، طراحی و اجرای هنری، کسب آگاهی از هنر و تاریخ آن و قدردانی از هنرمندان و آثار هنری و ارزشمند شمردن آن‌هاست. از آن‌جا که هنر مبتنی بر شناخت زیبایی و آفرینش زیبایی است، خلاقیت، ابداع و آفرینش یک اثر زیبای هنری جز با شناخت مفهوم جمال و زیباشناسی میسر نمی‌شود. با بیان زیبای واقعیت‌ها و نیز بیان واقعیت‌های زیبا و گاهی خلق زیبایی‌ها و ظرافت‌هایی که حتی وجود

خارجی ندارند، هنر از مرحله تقلید از طبیعت هم فراتر می‌رود. مفهوم تربیت هنری که به هنر خلاق مربوط می‌شود می‌تواند به فرایند رشد تیزبینی سرعت ببخشد و حساسیت فرد را نسبت به زیبایی افزایش دهد.

ماکسین گرین، فیلسوف برجسته تعلیم و تربیت خاطر نشان می‌سازد آموزش زیبا شناختی در صدد قادر ساختن جوانان برای بیان ادراکات، احساسات و عقاید از طریق استفاده متفکرانه از رسانه‌ها و وسایلی چون نقاشی، سفالگری، موزیک، گفتار و نوشتار و حرکات بدنی است. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود تا درک آگاهانه‌ای از هنرها بدست آورند به علاوه برای پرورش درک و حساسیت زیباشناختی آموزش هنر می‌تواند دارای اهداف مشخصی در عرصه ویژگی‌های شخصیتی نظیر خلاقیت، تصور و تخیل، قابلیت بیان، اعتماد به نفس و روح انتقادی باشد. ماکسین گرین بر این باور است که تجربیات زیبا شناختی ما در راستای دنبال کردن معنا، ما را در هستی‌های مختلفی درگیر می‌کند، ... اگر یگانگی و بی-همتایی رویکرد زیبا شناختی هنری به اثبات برسد، یا این یا آن‌های قدیمی از بین می‌رود و می‌توانیم به تکثرگرایی بینشی یا تعدد و تکثر واقعیت‌ها دست یابیم. او بر این باور است که افراد می‌توانند از طریق هنر، با شوک‌های ویژه برای هوشیار شدن و آگاه شدن مواجه شوند که به واسطه آن از غرق شدن در روزمرگی خلاصی یافته و امور را با تردید نگرینسته و به پرسش بگیرند. در پژوهش حاضر تاکید عمده بر روش‌های تدریس هنر و یا سایر ابعاد مربوط به آموزش هنر نیست بلکه در عوض مد نظر این است که فرآیند تعلیم و تربیت را به عنوان یک متن، پدیده و دارای هویت هنری و زیبا شناختی درک کند. به عبارت روشن‌تر به جای متمرکز شدن بر روش‌ها و فنون تدریس مؤثر در زمینه هنر، قصد اصلی در اینجا به تصویر کشیدن پژوهشی است که ابعاد و جایگاه درک و فهم هنری در فرآیند تعلیم و تربیت را به نمایش بگذارد و سعی شده است به نقش زیبا شناسی در تعلیم و تربیت از دیدگاه ماکسین گرین پرداخته شود.

۱-۲. بیان مسأله

تمام افراد جامعه می‌پذیرند که یکی از اهداف تعلیم و تربیت، آشنا کردن دانش‌آموزان با هنر، ارائه فهمی از هنر به آن‌ها، ایجاد حس قدرشناسی از آن، و پرورش خلاقیت هنری است. بسیاری بر این عقیده‌اند که یکی از مسائل مهم تعلیم و تربیت وجود زیبایی در طبیعت و در آثار هنری، همراه با صداقت و خوبی است.

با این حال، با توجه به اولویت بندی‌های معاصر، تربیت زیبایی‌شناختی در مقام عمل، در رتبه پایین‌تری قرار دارد و با وجود این که معلمان و مدیران، اکثراً به طور جدی متعهد به رشد دانش‌آموزان خویش هستند، ولی تعدادی از آنان فعالانه در راه تشویق پیشرفت دانش‌آموزان در قلمرو زیبایی‌شناسی گام بر نمی‌دارند.

یکی از دلایل، همانا ناتوانی ایشان برای درک اهمیت قلمرو زیبایی‌شناسی از یک دیدگاه فلسفی است. گفتن اینکه موضوع‌های زیباشناختی نظیر هنر و موسیقی از جمله غنی-سازی برنامه محسوب می‌شوند، در یک معنی، خلط بحث است؛ و دلالت بر آن دارد که آن‌ها به نوعی مطلوب هستند، ولی واجب نیستند. در عالم عملکردی روزمره کلاس درس، این مطلب به سوی جهان‌بینی سوق می‌یابد: «اگر بتوانیم جایی پیدا کنیم آن را انجام خواهیم داد». مازلو در باب رابطه بین نیازهای «اساسی» و «عالی» به مسئله‌ای بنیانی اشاره می‌کند هنگامی که می‌گوید: مثلاً امنیت نیازی چیره‌تر یا نیرومندتر، مبرم‌تر و حیاتی‌تر از عشق است و نیاز به غذا فوق‌العاده شدیدتر از هردوی آن‌هاست. بر این اساس، مسلّم است که نیازهای اساسی باید تقدم داشته باشند. در این معنی، می‌توان استدلال کرد که تدریس مهارت‌های اساسی باید در برنامه‌ی آموزشی تقدم داشته باشد. اما تعقل ما نباید در همین جا متوقف شود. مازلو در ادامه می‌گوید: همه‌ی این نیازهای اساسی را می‌توان گام‌هایی تصور کرد که در راه کلی تحقق توانایی‌های شخصی بر داشته می‌شود؛ راهی که همه نیازهای اساسی می‌توانند ذیل آن جای گیرند.

در هر جامعه‌ای که نیازهای اساسی برای غذا و مسکن کاملاً بر آورده شوند، هدف تحقق توانایی‌های شخصی بسیار اهمیت می‌یابد و این هدف فراتر از یادگیری‌های شفاهی و تفکر تحلیلی است. مازلو می‌گوید: این پیشرفت به سوی مفهوم یک ناخودآگاه سالم و یک مفهوم از غیر منطقی بودن سالم، آگاهی ما را از محدودیت‌های تفکر انتزاعی محض، تفکر شفاهی و تفکر تحلیلی، دقیق‌تر می‌کند. اگر امیدواریم جهان را به نحو کامل توصیف کنیم برای انواع شناخت پیش‌زبانی، ناگفتنی، استعاری، پیش‌فرایندی، ملموس تجربی، شهودی و زیبا شناختی جایگاهی لازم داریم زیرا جنبه‌هایی از واقعیت وجود دارند که از راه دیگری نمی‌توان شناخت.

توضیحات اندکی درباره‌ی ماهیت پاسخ‌زیباشناختی و اهمیت آن مناسب به نظر می‌رسد، چنان‌که ماریتین می‌گوید: می‌خواهم اضافه کنم که زیبایی عبارت از فضای روحی و نیروی الهام بخشی در خود آموزش و پرورش یک کودک است و با این وصف باید اساس حیات بخشی دائمی و همسرایی معنویت فزای آن آموزش و پرورش باشد... به مدد فضیلت جاذبه‌ی کردارها، رفتارها و اندیشه‌های نیک است که شایسته است کودک به سوی زندگی معنوی و اخلاقی هدایت و ترغیب گردد. زیبایی امری است که به تمایل برای زیستن می‌افزاید. زیبایی عبارت از هر چیزی است که ما را نسبت به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم آگاه‌تر یا حساس‌تر کند. زیبایی شناسی نمی‌تواند بدل به بخش اعظمی از برنامه آموزشی شود، مگر این‌که هم معلمان و هم مدیران متوجه شوند که تا چه حد این امر در حیات کلیه‌ی انسان‌ها ضرورت دارد. معلمان می‌بایست زیبایی شناسی را به صورت بخشی حیاتی از زندگی‌های خود در آورند. حتی معلمان نیازمند به تفکر درباره‌ی ماهیت واقعی زیبایی شناسی هستند و ارزیابی زیباشناختی را به صورت بخش مهمی از زندگی خود در آورند. اما برای همه‌ی معلمان گامی دیگری هست که باید برداشته شود: و آن، مرتبط ساختن معلومات زیباشناختی و علایق خود با حیات دانش‌آموزان خویش است (گریز، ۱۳۸۲: ۳۶۵).

غالب معلمان دبستان به قدری مشغول تدریس مهارت‌های خواندن هستند که نمی‌توانند وقتی کافی را به یافتن راه‌هایی اختصاص دهند که عشق به مطالعه را برمی‌انگیزانند؛ و این مارک تواین^۱ بود که در زمانی که مدعی این گفتار شد که: «در واقع هیچ فرقی بین یک شخص بی‌سواد که نمی‌تواند بخواند و شخصی که می‌تواند بخواند ولی مطالعه نمی‌کند وجود ندارد».

با آگاهی از این که آموزش یافتن دانش آموزان برای پاسخ دادن زیبایی شناختی به اشیا، یادگیری ذهنی را تقویت می‌کند؛ تحقیقات نشان داده‌اند که التزام عاطفی در موقعیت یادگیری به جذب آنچه قرار است آموخته شود، یاری می‌دهد.

ماکسین گرین (۱۹۸۱) عقیده دارد که هنرها عموماً در مؤسسات تربیتی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. هنرها، به استثنای ادبیات به حوزه‌های خلاق که تعداد نسبتاً اندکی از دانش آموزان به آن‌ها می‌پردازند گرایش دارند. او خاطر نشان می‌سازد که:

عده‌ی کمی به آشنا کردن دانش آموزان با شیوه‌های درک این موضوع که: «۱- عملکرد خاصی مورد نیاز است، ۲- ویژگی‌هایی موجب تمایز اثر هنری‌ای می‌شود که در معرض دیدن و شنیدن آنان قرار گرفته و نیز ۳- موضوعات مرتبط با احساس و سبک» فکر می‌کنند. اما بر خلاف گروه اندک، اغلب مردم از جوانان انتظار دارند که از یک درک زیبایی شناختی اساسی، برخوردار باشند.

تعلیم و تربیت در زمینه هنرها اغلب یک کار اضافی، ظریف یا تکمیلی قلمداد شده است. این نگرش با مطالعه تاریخ تربیتی به اثبات می‌رسد. تربیت زیبایی شناختی معمولاً به عنوان چیزی که برای یک فرد ضروری است، ارائه نمی‌شود. به علاوه، وقتی بودجه‌ها کاهش می‌یابد، اغلب این تربیت هنری است که ضربه می‌خورد. به موازات گسترش برنامه درسی، برای تحت پوشش قرار دادن بسیاری از موضوعات مناسب عملی و اجتماعی، زمان

1. Mark Twin

اختصاص یافته به هنر در بسیاری از مدارس کاهش پیدا کرده است. برای مقابله با این روند، فلاسفه، زیبایی شناسی را به عنوان بخشی از آموزش و پرورش بنیادی، معرفی کرده‌اند (برودی، ۱۹۹۱).

فلاسفه تعلیم و تربیت توجه خود را بر این بعد معطوف کرده‌اند، اما نه به اندازه‌ای که بر تربیت عقلانی و اخلاقی توجه کرده‌اند؛ توجهی که بی تردید، منعکس کننده اهمیت اندکی است که به هنرها داده می‌شود. با وجود این، کاری که در این حوزه انجام شده، از حیث تأثیری که بر اصول و اهداف تربیت زیبایی شناختی داشته، مهم است. اصطلاحی که در میان مربیان رایج است، «تربیت زیبایی شناختی، تعلیم و تربیت در قلمرو هنرها، از طریق هنرها، یا تربیت هنری است. اخیراً مربیان بیشتر درباره‌ی تربیت تخیل صحبت می‌کنند». ماکسین گرین اصطلاح سوادآموزی زیبایی شناختی را به عنوان هدف تربیت زیبایی شناختی به کار برده است. نگرش متفاوت ماکسین گرین نسبت به انسان و ماهیت او، تربیت هنری را متأثر خواهد کرد؛ بنابراین استنتاج دلالت‌های تربیتی نظریه زیبا شناختی ماکسین گرین مسأله اصلی این پژوهش است.

پژوهش حاضر قصد دارد ضمن تشریح مبانی زیبایی شناختی، فرآیند تعلیم و تربیت را از دیدگاه ماکسین گرین تبیین کند. در واقع، نگارنده در صدد پاسخ گویی به این سؤال است که اصولاً بر اساس آموزه‌های زیبایی شناختی فرآیند تعلیم و تربیت چگونه است؟ به عبارتی دیگر، اهداف آموزش و پرورش، برنامه درسی و معنای آن، چگونگی روش تربیتی، نقش مربی و متربی و نحوه ارتباط آن دو با یکدیگر، سؤال‌های اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهند. دست‌یابی به یک نظریه تربیتی زیبایی شناختی، ماحصل پاسخ‌های آرایه شده به سؤال‌های فوق است.

۱-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

اگرچه آموزش هنر یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه درسی مدارس امروز را تشکیل می‌دهد، و به طور فزاینده‌ای، نقش و جایگاه هنر در زندگی در حال بازشناسی است، اما در عین حال هنرها به عنوان موضوعات جانبی و حاشیه‌ای در مدارس تلقی می‌شوند. به عبارت روشن‌تر علی‌رغم آنکه پژوهش‌های انجام شده جملگی بر نقش، تأثیر و نتایج حاصل از آموزش زیبا شناختی بر یادگیرنده و جامعه به طور کلی حکایت دارد و تلاش‌های وسیعی توسط سازمان‌های بین‌المللی برای ترویج هنر در مدارس صورت می‌پذیرد، اما آموزش هنر و نیز درک زیبا شناختی در مدارس هنوز مورد اختلاف و مناقشه است. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زمان و منابع مالی اختصاص یافته به آموزش زیبا شناختی در حال کاهش است. این بی‌مهری در مورد معلمان و مربیان هنر نیز مشاهده می‌شود، به نحوی که این دسته از افراد از حقوق کمتری نسبت به همکاران خود دریافت می‌کنند. اگر بنا باشد معنا و مفهوم برنامه درسی به متون آموزشی و عمدتاً کتاب و پاره‌ای فعالیت‌های مدرسه‌ای مثل آموزش‌های عملی کارگاهی و یا آزمایشگاهی محدود شود آن هم با هدف پرورش حیطة شناختی دانش آموز؛ تصور یک برنامه درسی، مطابق با اهداف و خصوصیات تربیت هنری، کاری عبث و بیهوده است: اما اگر با نگاهی گسترده‌تر به قلمرو برنامه درسی نظر افکنیم، چنین تصویری امکان‌پذیر خواهد بود. این امر مستلزم برداشتی فعالیت‌مدارانه، تجربه‌گرا و زیبایی‌شناسانه از برنامه درسی است. چنین برنامه‌ای با تجارب فردی دانش‌آموزان در عرصه‌های مختلف زندگی مثل مسائل عاطفی، معنوی، روحی و اخلاقی بیگانه نیست، بلکه برعکس، توجه به این گونه تجارب و تلاش در جهت تحلیل، روشنگری، هدایت، جهت‌دهی و در مجموع بهره‌برداری از آنها در راستای اهداف تربیتی، سرلوحه اهداف برنامه درسی است. در این صورت برنامه درسی از محدوده فعالیت کلاسی و مدرسه‌ای فراتر رفته لحظه به لحظه زندگی واقعی دانش‌آموزان را در بر خواهد گرفت. این واقعیت سبب شده

است تا صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و محققان ضرورت تاکید بر اهمیت آموزش زیبا شناختی در مدارس و نیز درک هنری در زندگی روزمره را مورد تاکید قرار دهند. یادگیری ابعاد زیبا شناختی خاص خود را دارد. دانش آموزان باید شخصاً نسبت به موضوع متعهد باشند. یادگیری، مشتمل بر کاربرد تمام نیروهای انسان، از قبیل تخیل، حافظه و ذهن است. فلاسفه غالباً از زیبایی موجود در یادگیری، حتی یادگیری انتزاعی، سخن گفته‌اند. اهمیت تربیتی این بحث آن است که تمام معلمان و تمام موضوعات درسی و در حقیقت، تمام فعالیت‌ها در مدرسه، می‌تواند تجربه و درک زیبا شناختی دانش آموزان را افزایش دهد. برنامه ریزان درسی ممکن است اهداف زیبا شناختی را به عنوان اهداف توأم در یادگیری لحاظ کنند. مدیران آموزشی می‌توانند نسبت به مسئله زیبایی شناسی در برنامه ریزی رویدادهای مدرسه و در اعتلای درک هنری حساس باشند. در سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران جلسه ۸۲۰ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۸۹/۵/۲ تعلیم و تربیت هنری و زیبا شناختی از ساحت‌های شش‌گانه مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران قلمداد شده است که مستلزم آن است مبنای تمام سیاست‌گذاری‌ها، برنامه ریزی‌ها و تولید اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت عمومی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. یکی از هدف‌های عملیاتی و راهکارها پرورش تربیت یافتگانی است که با قدرشناسی، درک زیبا شناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی و بهره‌گیری از قدرت تخیل، مهارت‌های اولیه در خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست می‌آورد و برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی بر اساس نظام معیار اسلامی می‌کوشند. جهت عملیاتی کردن این راهبرد و هدف می‌بایست رویکرد تربیت هنری را به عنوان جهت‌گیری فرا برنامه درسی اتخاذ و آن را با تمام موضوعات درسی تلفیق و از آن در طراحی و ساخت فضاهای آموزشی و تربیتی برای پرورش قدرت تخیل و درک زیبا شناسانه بهره‌گیری نمود. ضرورت و اهمیت تربیت

هنری را از نظر ابعاد و نتایج آموزشی، می‌توان تبیین و تشریح کرد. «هر چند بعضی از صاحب‌نظران مانند آیزنر و برودی معتقدند که هنر نه به خاطر نقش و کمکی که به افزایش نمره‌های دروس دیگر می‌نماید بلکه به اعتبار اینکه اساساً معرف یکی از اشکال اساسی تجربه انسانی می‌باشد، باید مورد توجه و مطالعه قرار گیرد: با وجود این، نمی‌توان نقش و تأثیر مثبت و سازنده تربیت هنری را در بهبود یادگیری سایر حوزه‌های محتوایی، مقوله‌ای کم اهمیت یا قابل چشم‌پوشی جلوه داد. در واقع، دانش آموزانی که به فعالیت‌های هنری اشتغال دارند، از موفقیت و پیشرفت تحصیلی و آموزشی بیشتر و بالاتری برخوردارند».

۱-۴. اهداف تحقیق

۱-۴-۱. هدف کلی پژوهش:

تبیین زیبایی شناختی اندیشه‌های فلسفی ماکسین گرین

۲-۴-۲. اهداف جزئی پژوهش:

۱. استنتاج ویژگی‌های زیبایی شناختی اندیشه‌های فلسفی ماکسین گرین

۲. استنتاج اهداف تربیتی از نظریه زیبایی شناختی ماکسین گرین

۳. استنتاج برنامه درسی مبتنی بر نظریه زیبایی شناختی ماکسین گرین

۱-۵. سؤالات پژوهش

۱. زیبایی شناختی در اندیشه‌های فلسفی ماکسین گرین از چه ویژگی‌هایی برخوردار

است؟

۲. استنتاجات اندیشه‌های زیبایی شناختی ماکسین گرین برای اهداف تربیتی کدامند؟

۳. استنتاجات اندیشه‌های زیبایی شناختی ماکسین گرین برای برنامه درسی کدامند؟

۱-۶. روش پژوهش

به‌طور کلی هر پژوهشی در آغاز، در پی طرح مشکل یا مسأله‌ای می‌باشد، مشکل و

مسأله‌ای که پرسش‌های زیادی را در ذهن پژوهشگر ایجاد می‌کند و موجب پیدایش

فرضیه‌هایی می‌شود. پژوهشگر با جمع‌آوری اطلاعات و آمار مورد نیاز و تجزیه و تحلیل آنها، سعی در ارائه‌ی پاسخ برای پرسش‌های پژوهشی و تأیید و یا رد فرضیات مطرح شده، دارد.

بنابراین جمع‌آوری اطلاعات و چگونگی تجزیه و تحلیل آنها از اهمیت بالایی برخوردار است و به عنوان یک مقوله از فرایند علمی است، که نظریه‌ها در قالب آمار و ارقام علمی تجلی می‌یابد، ثمره‌ی آن به صورت کمی جلوه‌گر شده و الگوی نظری پژوهش، قابل سنجش و محاسبه می‌شود.

در تحقیقات علمی انتخاب روش مناسب با ماهیت تحقیق از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا برای انجام هر تحقیقی روش خاصی مناسب است. این تحقیق مبتنی بر هدف و روش استفاده شده توصیفی - تحلیلی است و به توصیف دیدگاه ماکسین گرین و شناخت دیدگاه زیبایی شناختی ایشان می‌پردازد. همچنین در پی درک مفاهیم اصلی و اصول این رویکرد در زمینه ارزش‌شناسی و زیبایی‌شناسی و دلالت‌های تربیتی می‌باشد. لذا براساس بررسی نقاط قوت و ضعف دیدگاه زیبایی‌شناسی از تعلیم و تربیت مورد تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه تحقیق